

# نقش و کارکرد اجتماعی زورخانه در جامعه سنتی ایران

کتاب دکتر علی بلوکباشی - مدیر بخش مردم‌شناسی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی



## پیش‌سخن □

در جامعه‌ی سنتی ایران، زورخانه جایگاهی مقدس برای پروردن تن و اندام و نیرومند کردن اندیشه و اخلاق بود. پس از پدید آمدن قهوه‌خانه در ایران و جاافتادن آن در میان اقشار مختلف اجتماعی، زورخانه و قهوه‌خانه دو نهاد اجتماعی وابسته به یکدیگر را در آموزش و تقویت روحیه‌ی ملی و مذهبی مردم و انتقال فرهنگ اساطیری و حماسی ایران در جامعه شکل دادند.

فضای درون زورخانه و قهوه‌خانه هر دو با هوای عطرآگین و نیروبخش خصایل پهلوانی و سلحشوری و رفتار و اخلاق جوانمردی و ایثارگری آکنده بود. در و دیوار ساختمان این دو مکان را نقش و نگارهایی از پیکرهای پهلوانان حماسی فرهنگ ملی و مذهبی و صورت شاهان افسانه‌یی و تاریخی و پهلوانان و یلان جوانمرد این سرزمین می‌پوشاند. سردم‌نشین زورخانه مرشدی بود که پیمان‌های شعرش را از چشمه‌ی فیاض شاهنامه و مهر شاه مردان، امیر مؤمنان علی، پُر می‌کرد و به پهلوانان زورخانه می‌نوشاند. نقال قهوه‌خانه نیز مرشدی بود که حلقه‌نشینان مشتاق پای سردم را با آب پاک و زلال همین چشمه‌های زایای فرهنگ حماسی و تاریخی شستشو می‌داد.

زورخانه‌کاران قهوه‌خانه‌نشین، چشم و گوش‌شان پیوسته با شکل و شمایل این پهلوانان حماسی و شخصیت‌های تاریخی و وصف اخلاق و رفتار و مردانگی این حماسه‌سازان پیوند داشت و هر چه می‌دیدند و می‌شنیدند روایت و قصه‌ی قهرمانی بود و رادمردی‌ها و بس.

قهوه‌چیان زورخانه‌کار محله‌های شهر نیز، پیوسته پاسدار کیان پهلوانی و حماسه‌های قهرمانی فرهنگ و ادب قومی و مذهبی ایرانیان بوده‌اند. از این رو، در بیش‌تر قهوه‌خانه‌ها برای حفظ راه و رسم پهلوانی و آیین جوانمردی و حرمت‌نهادن به پهلوانان خوش‌نام محله‌ها، عکس‌های آن‌ها را در کنار پهلوانان افسانه‌یی و حماسی و کشتی‌گیران باستانی کار می‌آویختند.

بیش‌تر قهوه‌چیان و علامت‌کشان دسته‌های عزا در ایام عاشورا از پهلوانان و ورزشکاران زورخانه روی قهوه‌خانه‌نشین محله‌های شهر بودند. این گروه پس از تطهیر خود در حمام به گود زورخانه می‌رفتند و تن و جسم را با میل و کباد و سنگ، و ذهن و اندیشه را با کلام گرم و نغمه‌های جان‌پرور مرشد ده وصف پهلوانان و نعت پیامبر و امیر مؤمنان و امامان و وز می‌دادند و می‌پروردند. در

از دو منظر می‌توان به زورخانه نگریست و آن را بررسی و مطالعه کرد: یکی منظر ساختار درونی زورخانه و یکی دیگر منظر ساختار بیرونی آن. پژوهش ساختار درونی زورخانه، تاریخچه، معماری ساختمان، ورزش‌های زورخانه‌یی، سلسله‌مراتب ورزشکاران، واژگان و اصطلاح‌ها و آداب و رسوم ورزش باستانی و اسباب و ابزارهای ورزشی زورخانه را بررسی و تحقیق می‌کند. در پژوهش ساختار بیرونی، نقش و کارکرد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی زورخانه در جامعه بررسی و تحقیق می‌شود. در این مقاله، در زمینه‌ی ساختار بیرونی زورخانه، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، بحث و گفت‌وگو خواهد شد.

## نهادهای اجتماعی سنتی

در آغاز اشاره کنیم که در قدیم هر نهادی که در جامعه‌ی ایران بنیان می‌گرفت، سازگار و متناسب با نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و دستگاه‌های فرهنگی و دینی جامعه بود. همه‌ی نهادها از پشتوانه‌ی فرهنگی نیرومندی برخوردار بودند و نقش عمده و مهمی در تحکیم روابط اجتماعی مردم و انسجام و تعمیم معیارهای رفتاری پذیرفته‌شده در جامعه داشتند. رشته‌هایی پوشیده و آشکار، این نهادها و دستگاه‌ها را از سویی با یکدیگر و از سوی دیگر با مردم و جهان درونی و آرمانی آنان پیوند می‌داد. هر نهاد و پدیده‌ی اجتماعی، مجموعه‌یی از راز و رمزها بود و نشانه‌هایی از فرهنگ و هنر و حکمت و باورهای قومی و دینی مردم داشت.

بررسی ساختار بیرونی نهاد سنتی - مردمی زورخانه ما را با کارکرد اجتماعی - فرهنگی و نقش رسانه‌یی این نهاد در جامعه و با نهادهای دیگر آشنا می‌کند.

## نهاد زورخانه و قهوه‌خانه

از دیرباز مردم ایران به دو اصل مهم پرورشی: یکی پرورش تن و دیگری پرورش جان و روان، بسیار اهمیت می‌دادند. نیرومندی تن و روان و به‌کارگرفتن رفتار و اخلاق پهلوانی در عرصه‌ی زندگی مادی و معنوی نزد توده‌ی مردم جامعه‌ی سنتی ایران منزلت والایی داشت.

قهوه‌خانه نیز گرایش‌های ملی و قومی و مذهبی و ویژگی‌های معنوی پهلوانی و رادمردی را با داستان‌نامه‌های حماسی ملی و مذهبی و از زبان نقالان و سخنوران تقویت می‌کردند و زنده و پویا نگاه می‌داشتند. این چنین بود که دو نهاد زورخانه و قهوه‌خانه در جامعه‌ی قدیم و سنتی ایران عملکرد ارتباطی یافته بودند و رشته‌های پیوند و همبستگی فرهنگی میان ورزشکاران و پهلوانان را با فرهنگ کهن استوار و پایدار نگه می‌داشتند.

اعتماد اهل محل بودند و مردم آن‌ها را اسوه‌هایی والا تر از انسان‌های خاکی می‌پنداشتند و در حضر و سفر جان و مال و ناموس خود را به آن‌ها می‌سپردند.

نمونه‌ی شاخص این پهلوانان خوش‌نام و جوانمرد، پهلوان حاج محمدصادق بلورفروش (۱۳۲۴ ش.)، حاج سیدحسن رزاز (۱۳۲۵ ش.) و پهلوان حماسه‌ساز دوران ما، تختی بود. همه آگاهند که شخصیت ملی و مردمی تختی در گستره‌ی ذهنیت زمان به قهرمانی اسطوره‌یی تبدیل شد. مردم او را پهلوان اخلاق و نمونه‌ی شرم و نجابت و قهرمانی از سلاله‌ی پهلوانان حماسی فرهنگ ایران زمین می‌انگاشتند.

## اخلاق و رفتار پهلوان

### محلّه

جوانمردترین پهلوان محلّه میان همپالگی‌هایش به «بابا شملی» محلّه، یعنی بزرگ لوطی‌ها و رییس محلّه، پذیرفته می‌شد و حفظ و امنیت محل و اهل محل و گره‌گشایی از کار بسته‌ی مردم به عهده‌ی او واگذار می‌شد.

او با «ریش سفیدی» و «کدخدانمشی» خود مرافعات و اختلاقات میان مردم محل را حل و فصل می‌کرد. پاس داشت

حرمت بزرگ‌ترها و سادات، مهربانی و عطاوت کردن به زیردستان و ضعیفان، دستگیری از ناتوانان و درماندگان، تصب و ورزیدن به حرمت اهالی محل، بویژه به ناموس مردم، فداکاری و ایثارگری برای رفیق تا پای جان، صراحت لهجه داشتن و رک گوئی، سوگند نخوردن به دروغ و سوگند خوردن به حضرت عباس - علمدار دشت کربلا - و سوگند به کمر بند حر ریاحی - آزادمرد واقعه‌ی عاشورا در کربلا - سوگند به شاه چراغ، برادر امام رضا، قسم به تار موی سیل مردانگی خود، یا گرو گذاشتن تار مو به هنگام عهد و پیمان بستن، وفا کردن به عهد و قول‌شان، سرسپردگی به قطب جوانمردان، حضرت امیر مؤمنان علی، و جان نثاری برای شهید کربلا امام حسین از خصایل و عادات و رفتار این پهلوانان لوطی مسلک و بابا شمل‌ها بود.

«تامردی»، «نالوطی‌گری»، «خنجر از پشت زدن»، «سوگند به دروغ خوردن»، «موی سیل گرو بسته را از گرو بیرون نیاوردن»، «عهد و قول خود را شکستن»، «به چشم بد به ناموس اهل محلّه نگاه کردن»، «بی‌غیرتی و بی‌ناموسی کردن»، «تاتو زدن به دیگران» و... زشت‌ترین و نابخشوده‌ترین رفتارها در میان آن‌ها شمرده می‌شد.

## پهلوانان یا لوطیان

### محلّه

محلّه‌ی هر شهر پهلوانانی داشت که به «پهلوان محلّه» یا «لوطی محلّه» معروف بودند. این پهلوانان یا لوطیان، همه از ورزشکاران زورخانه‌کار و شماری از آن‌ها نیز مرشد زورخانه یا قهوه‌چی قهوه‌خانه‌ی محلّه بودند. این دسته پهلوانان برحسب خصایل رفتاری و صفات اخلاقی‌شان به دو گروه تقسیم می‌شدند: یکی لوطیان بز ن بهادر و شریز و یکی دیگر پهلوانان جوانمرد خوش‌نام.

لوطیان بز ن بهادر، خوی و رفتاری ناشایست و ماجراجویانه داشتند و گاه و بی‌گاه در محلّه فتنه و آشوب به راه می‌انداختند

و با قمه و چاقو به جان یک‌دیگر و مردم می‌افتادند. این پهلوان‌نماها ستری گردن و زور بازوی خود را در راه باج‌گیری از مردم و کسبه‌ی محل به کار می‌بستند و با قدره‌بندی و چاقو کشی و قماربازی نان و روزی خود را درمی‌آوردند. این دسته لوطی‌ها که در شمار جاهل‌های گردن کلفت محلّه به‌شمار می‌رفتند، هر کدام یک «نوجه» یا وردست «جوجه مشدی» هم داشتند. مردم محلّه به این دسته لوطیان و رفتار و کدار نابه‌هنجارشان با نفرت می‌نگریستند و پیوسته از آنان دوری می‌جستند تا از آسیب و آزار آن‌ها مصون مانند.

برخلاف آنان، لوطیانی پاک‌سرشت و جوانمرد از سلک پهلوانان وارسته و خوش‌نام زورخانه بودند که رفتار و کرداری شایسته و به‌هنجار داشتند و پیوسته می‌کوشیدند که خصایل اهل فتوت و پهلوانان اصیل و افتاده‌یی چون پوریای ولی را کسب کنند و در زندگی روزانه‌ی خود به‌کار برند. این دسته لوطیان کنشی نجیبانه و فروتنانه و منشی و خلقی به‌واقع پهلوانانه داشتند. اینان در حق جوئی و ایثارگری و گذشتن از مال و جان در راه مردم محلّه و دستگیری از خانواده‌های بی‌سرپرست و هستی از دست داده و بیوه‌زنان و پهلوانان آبرومند از افتاده هیچ‌گاه درنگ نمی‌کردند. از این رو، مورد وثوق و



نورنگه‌ی پهلوانان و مطالعات فرهنگی



پهلوانان زورخانه کار محله، سخت به مذهب و اجرای مناسک و مراسم عزاداری معتقد بودند. در نخستین دهه‌ی محرم و دهه‌ی صفر هر سال، تکیه‌ها و حسینیه‌ها و قهوه‌خانه‌های محل خود را با کتیبه و شال و پارچه‌ی سیاه می‌بستند و در و دیوارها و طاق‌نماهای آن‌ها را با زیورهای امانتی مردم می‌آراستند و آماده‌ی عزاداری می‌کردند. در دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن در سوگ حسینی زیر سنگین‌ترین علامت‌های بزرگ چندین تیغه می‌رفتند و با نیرو و توان خود و عشق مفرط به امام حسین، آن‌ها را در جلوی دسته می‌کشیدند.<sup>۸</sup>

## حفظ یا احیای نهاد زورخانه

از زمان توسعه‌ی ارتباطات فرهنگی - سیاسی ایران با سرزمین‌های جهان، بویژه سرزمین‌های اروپایی، و گسترش ارتباطات سمعی و بصری و تعمیم یافتن ورزش‌های نوین اروپایی و در پی آن پیوستن ایران به دهکده‌ی جهانی بازی‌های ورزشی، نهاد زورخانه و ورزش‌های زورخانه‌یی کم و بیش اعتبار و کاربری‌های پیشین خود را از دست داده است. ورزشکاران و پهلوانان نقش اجتماعی و مردمی که در ساماندهی و نظم‌بخشی محله‌ها و پاسداری از جامعه‌های محلی داشتند، دیگر ندارند. امروزه مشخصه‌های فرهنگی سیمای جامعه‌ی ما را درهم ریخته و بی‌ریشگی در تار و پود نهادها و پدیده‌های نوین اجتماعی آن رخنه کرده است.

اکنون باید بررسی کرد که چه‌گونه می‌توان نهاد زورخانه را در اوضاع اجتماعی - فرهنگی

امروز ایران حفظ یا بازسازی و احیا کرد. روشن است که تداوم نهادهای سنت - مردمی قدیم در این روزگار با همان سازه‌های اجتماعی و فرهنگی و احیای نقش و کارکرد کهن آن، اندیشه‌ی خام و کودکانه و کوششی بیهوده و بی‌نتیجه است. لیکن می‌توان زورخانه را همان‌گونه که بوده با محتوای سنتی آن به‌صورت یک نمونه یا انگاره‌ی تاریخی از میراث اجتماعی جامعه‌ی گذشته‌ی ایران حفظ کرد. حفظ زورخانه و ساختار درونی گذشته‌ی آن، جاذبیت‌هایی هم برای مردم جامعه‌ی سنت‌گرای ما و هم برای پژوهندگان مسایل فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی قدیم ایران و سیاحت‌گران کنج‌کاو خارجی خواهد داشت.

بسیاری از نهادها و پدیده‌های فرهنگی - هنری که از مجموعه‌ی موارث اجتماعی ایران اسلامی و از وسایل سرگرمی و گذران اوقات فراغت ایرانیان در گذشته بوده‌اند، مانند قهوه‌خانه،

سنت نقالی و قصه‌خوانی و قصه‌گویی، شاهنامه‌خوانی و سخنوری، و شمار بسیاری از سرگرمی‌ها و بازی‌ها تفریحی و نمایشی و ورزشی، امروزه نقش و کارکرد خود را از دست داده و از میان رفته یا در حال از میان رفتن‌اند. از میان نهادهای اجتماعی و مردمی که هنوز کم و بیش اعتبار و ارزش صوری و معنایی و جنبه‌هایی از کارکردهای پیشین خود را حفظ کرده و شایستگی استمرار و بازسازی دارند، یکی هم همین نهاد زورخانه است.

در این زمان، زورخانه به‌عنوان یک نهاد مردمی، نقش اجتماعی و فرهنگی گذشته‌ی خود را از دست داده و نمی‌تواند چون گذشته نقش و وظیفه‌ی مؤثر در جامعه، بویژه در محله‌ها ایفا کند و افراد همه‌ی قشرها و گروه‌های اجتماعی راه، از جوان و میان‌سال و کهن‌سال، با هر ذوق و سلیقه و گرایش به‌سوی خود فراخواند و در فضای آموزشی سنتی خود سرگرم کند. بازسازی و احیای آن و پذیرفتنی کردن محتوای فرهنگی - آموزشی آن نیز نزد مردم جامعه‌ی دگرگون‌شده‌ی این روزگار بسیار دشوار می‌نماید. هرگونه بازسازی در نهاد زورخانه باید بر بنیاد بررسی‌های علمی جامعه‌شناختی و روان اجتماعی و جامعه‌ی امروز ایران و پیوندهای فرهنگی ایران با خانواده‌ی بزرگ جهانی و فراهم کردن طرحی جامع و دقیق و مبتنی بر معیارهای علمی انجام پذیرد. از این راه می‌توان زورخانه را با کلیت نظام اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی جامعه‌ی امروز سازگار کرد و محتوای درونی آن را با انگاره‌های

آرامی و گرایش‌های عقیدتی و ذوقی و تمایلات امروزی مردم ایران از یک‌سو، و فرهنگ ورزشی جهانی از سوی دیگر نزدیک ساخت.

## سخن پایانی

برای بازسازی و فعال و کارآمد کردن نقش و کارکرد نهاد زورخانه و زمینه‌سازی برای فراملی کردن آن، باید روند ایستای سنتی زورخانه را تفسیر داد و ظرفیت و توان پذیرش دگرگونی در ساختار درونی و بیرونی آن را بالا برد و درون بافت آن را برای قبول تغییراتی که از ژرفای فرهنگ جامعه‌ی امروز فراز آمده و مقبولیت همگانی و جهانی یافته، آماده کرد.

دگرگونی در نظام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی ایران امروز و تحول بنیادی در رفتار و اندیشه‌ی مردم جامعه، زورخانه را با همان صورت و درون ساخت پیشین و نقش و



# به یاد بدیع الزمان فروزانفر

که دکتر مظاهر مصفا

در آذر ۱۳۸۳ مراسم گرامیداشتی برای استاد بدیع الزمان فروزانفر در بشرویه برگزار شد. به همین مناسبت گزیده‌یی از مثنوی بلندی را که دکتر مظاهر مصفا پس از قصیده‌ی معروف خویش برای استاد فروزانفر ساخته است، در این شماره به خوانندگان ارمغان می‌کنیم:

ای فروزان آفتاب خاوری  
ای به قدر از آفتابست برتری  
کیست از تو در سخن چالاک‌تر  
نیست یک تن از تو پُرادراک‌تر  
نکته‌دان رمز خاقانی توی  
یگه‌مرد مثنوی خوانی توی  
پیش تو سهل است صعب انوری  
در صعوبت‌ها کنی آسانگری  
فهم حافظ از تو دارد انتظام  
هم به تو شعر نظامی را نظام  
نظم عطار از تو جان تازه گرفت  
شعر مولانا روان تازه گرفت  
فرد عرفانی فریدی در فرید  
در سنایی چیره در ما وحید  
ملک عرفان چون تو فعل و نر نداشت  
داشت اما چون فروزانفر نداشت  
چون دم از عرفان اسلامی زدی  
آتش اندر عارف و عامی زدی  
از تو شد روشن چراغ معرفت  
گشت خرم از تو باغ معرفت  
حرف تعبیرت کند افسونگری  
ظرف لفظت می‌بترکد از پُری  
آن قوی بنیاد چون شعر بهار  
این چو رنگین چامه‌ی من پُرنگار  
دیریاب آن هم چو مضمون امیر  
این چو آهنگ امیری دل‌پذیر  
خویشتن را در سخن آمیختی  
مُشک از خامه به نامه ریختی

کارکرد و ارزش‌های سنتی در مسیر حرکت خود با جامعه‌ی جهانی نمی‌پذیرد. مدت‌هاست که زورخانه جاذبه‌ی اجتماعی، فرهنگی و ورزشی خود را در جامعه و میان اقدار گوناگون مردم، بویژه جوانان، از دست داده و از اثر و نفوذ آن کاسته شده است. همان‌طور که قهوه‌خانه، نهاد وابسته به زورخانه، چند دهه است که جایگاه اصلی و وظیفه و ارزش اجتماعی - فرهنگی قدیم خود را از دست داده، زورخانه نیز دیگر آن پایگاه و اعتبار اجتماعی سنتی پیشین را در جامعه‌ی امروز ندارد و دیر یا زود مقبولیت و جاذبه‌ی همگانی‌اش را در میان مردم از دست خواهد داد.

به نظر می‌رسد کار مهمی که در این زمان می‌توانیم بکنیم، این است که به پیروی از نظر گوستاو لوبون که می‌گوید: «وظیفه‌ی مردم یک جامعه، یا یک قوم، حفظ کردن نهادهای فرهنگی گذشته و تعویض تدریجی آن‌هاست»، ما نیز نباید زورخانه و ورزش‌های زورخانه‌یی را، پیش از هرگونه تغییر در ارکان آن و جایگزین سازی و سازگار کردن این نهاد با الگوهای اجتماعی و فرهنگی - ورزشی جامعه‌ی کنونی، به همان صورت سنتی اصیل قدیمی‌اش حفظ کنیم و تداوم بخشیم و آن را هم‌چون یک نمونه‌ی تاریخی از مجموعه‌ی بازی‌های ورزشی کهن ایران برای ارابه به نسل‌های امروز و فردا و برای تحقیق و بررسی پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ایران نگه داریم.

بنابراین، از آن‌جا که زورخانه و فرهنگ ورزش‌های زورخانه‌یی از مجموعه‌ی میراث معنوی فرهنگ شفاهی مردم ایران است و امروزه شهرت فراموشی دارد و در جهان شناخته شده است، پیشنهاد می‌کنم که دست‌اندرکاران و مسؤولان ورزش ایران با گردآوری مدارک لازم درباره‌ی این میراث ارزشمند فرهنگی، آن را در کنار چهل و چند آثار معنوی فرهنگ شفاهی دیگر جهان، در فهرست «شاهکارهای میراث معنوی شفاهی بشریت» در یونسکو به ثبت برسانند. ■

## کتاب‌نامه

- ۱- بلوکباشی، علی، قهوه‌خانه‌های ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۲- بلوکباشی، علی، «تمزیه‌خوانی، سازگاری و ناسازگاری با ساختار فرهنگی جامعه»، نامه‌ی علوم اجتماعی، ش ۱۱، ۱۳۷۷، ص ۳۱-۴۱.
- ۳- بلوکباشی، علی، «نهادهای سنتی - مردمی: نقش و کارکرد و راهکارهای بازسازی و احیای آن‌ها»، نهادهای مردمی و فرهنگ عمومی، تهران، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۷-۶۰.
- ۴- بلوکباشی، علی، «پدیده‌ی به‌نام لوطی و لوطی‌گری در حیات اجتماعی تاریخ ایران»، فرهنگ مردم، سال سوم، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۳، ص ۹۹-۱۰۵.
- ۵- لوبون، گوستاو، روان‌شناسی توده‌ها، ترجمه‌ی کیومرث خواجه‌یها، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- بلوکباشی، ۱۳۷۸: ۵۷.
- ۲- همو، ۱۳۷۵: ۹.
- ۳- همان، ۱۳۰.
- ۴- بلوکباشی، ۱۳۷۸: ۵۸.
- ۵- همو، ۱۳۷۵: ۱۳۸-۱۳۹.
- ۶- همان، ۱۳۹: نیز نک: همو، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۳.
- ۷- همو، ۱۳۷۵: ۱۳۳-۱۳۴.
- ۸- همو، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۵.